MEJDS. 2018; 8:83.

Published online 2019 March. **Research Article**

Predicting Parenting Stress in Mothers of Children with Disabilities Is Based on the Purpose in Life and Mental Disabilities

Tayebeh Donyagard[1], *Farnaz Farshbaf[1]

Author Address
1. Department of Psychology, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran;
***Corresponding Author E-mail**: maneisefat@yahoo.co.in

Received: 2017 Jan 27; **Accepted:** 2017 Apr 23

Abstract

Background and Objective: Exceptional children could threaten physical and mental health of their mothers. The rate of family vulnerability against that is high and caused severe mental health problems for a family. Parent awareness of their child's disability cause miss all of their dreams and hopes, and family problems starts. These problems may affect usual tasks of parent with child's treatment programs, emotional adjustment to different situations of child, spending much time on determining treatment, providing home care, addressing school problems, and dealing with disabled child's behavior problems. This can affect the life quality of mothers and children. Therefore, the objective of this study was to predict the parenting stress based on meaning of life and resilience in mothers of children with intellectual disability in the city of Urmia.

Methods: The method of study was to correlational type of descriptive study. The study population consisted of 654 mothers of all children studying in exceptional schools in the Urmia city in academic year 2015-2016, which 208 mothers were selected from four schools using convenience sampling method. In this regard, the meaning of life questionnaire (PIL) of Krambaf and Maholick, parent stress questionnaire (PSI), and Connor and Davidson resilience questionnaire were used. Validity and reliability of the questionnaires have been approved. In order to respond the hypotheses, Pearson correlation coefficient and multiple linear regression through SPSS software were used.

Results: First, the pre-assumptions of multiple linear regression were investigated and results showed that there was no problem to use regression. Based on the results obtained, the correlation coefficient between the meaning of life and resilience and stress was obtained -0.815 and -0.568, respectively. In other words, the relationship between meaning of life and resilience and parenting was reverse. In addition, based on multiple linear regression results, meaning of life explains about 65% parenting stress changes and resilience explains about 12% of the parenting stress changes.

Conclusions: Based on results obtained, it was concluded that as meaning in the life of mothers with exceptional children was higher, behavioral disorders of mothers reduce and thus the stress of mothers due to presence of disabled and exceptional children will reduce significantly. In addition, as resilience of mothers was higher, they could cope with parenting stress and it will have positive consequences. Therefore, according to the obtained results, it is recommended for education organization to hold educational workshops where the strategies to cope with stress are educated. Finally, it is recommended for education organization to take step in order to teach the concepts of resilience and the meaning of life that have significant impact on reducing the parenting stress of mothers with exceptional children.

Keywords: Parenting stress, Purpose in life, Resiliency, Children with mental disabilities.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.28.3]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۳۹۷؛ (۸):۸۳.

انتشار برخط اسفندماه ۱۳۹۷ مقاله پژوهشی اصیل

پیش‌بینی استرس والدگری مادران کودکان با ناتوانی هوشی بر مبنای معنای زندگی و تاب‌آوری

طیبه دنیاگرد،[۱] *فرناز فرشباف[۲]

توضیحات نویسندگان

۱. گروه روان‌شناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

*رایانامه نویسندهٔ مسئول: maneisefat@yahoo.co.in

تاریخ دریافت: ۶ بهمن ۱۳۹۵؛ **تاریخ پذیرش:** ۳ اردیبهشت ۱۳۹۶

چکیده

زمینه و هدف: وجود کودک استثنایی، سلامت جسمی و روانی مادر را تهدید می‌کند. این امر ممکن است کیفیت زندگی مادر و کودک را تحت‌تأثیر قرار دهد. بنابراین هدفِ تحقیق حاضر که در شهرستان ارومیه انجام شد، پیش‌بینی استرس والدگری بر اساس معنای زندگی و تاب‌آوری مادرانی بود که کودکانی با ناتوانی هوشی دارند.

روش بررسی: روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع هم‌بستگی است. جامعهٔ آماری این پژوهش شامل مادران همهٔ کودکان مشغول به تحصیل در مدارس استثنایی شهر ارومیه در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ به تعداد ۶۴۵ نفر بود که ۲۰۸ مادر به‌شیوهٔ نمونه‌گیریِ دردسترس از چهار مدرسه انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری، پرسش‌نامه‌های معنای زندگی کرامباف و ماهولیک، تنش والدینی آبیدین و تاب‌آوری کانر و دیویدسون بود. برای تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد.

یافته‌ها: ضرایب معنای زندگی ($p<۰/۰۰۱$) و تاب‌آوری ($p=۰/۰۰۴$) هر دو معنادار بود؛ بنابراین این دو متغیر توانستند متغیرهای پیش‌بین برای استرس والدگری باشند. همچنین مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۷۱۴ به دست آمده است که نشان می‌دهد حدود ۷۲درصد از تغییرات استرس والدگری به‌وسیلهٔ دو متغیر معنای زندگی و تاب‌آوری تبیین می‌شود.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج به‌دست‌آمده نتیجه گرفته شد که هرقدر معنای زندگی و تاب‌آوری مادران کودکان با ناتوانی‌های ذهنی بیشتر باشد، میزان استرس والدگری آن‌ها کاهش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: استرس والدگری، تاب‌آوری، کودکان با ناتوانی‌های ذهنی، معنای زندگی.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار-غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.28.3]

۱ مقدمه

وجود کودک استثنایی در خانواده، اغلب آسیب‌های جبران‌ناپذیری را بر آن وارد می‌کند. میزان آسیب‌پذیری خانواده در مقابل این ضایعه گاه به‌حدی است که خانواده از نظر سلامت روانی به‌شدت آسیب می‌بیند (۱)؛ به‌طوری که به‌محض آگاهی والدین از معلولیت فرزند خود، تمام آرزوها و امیدها به یأس مبدل می‌شود و مشکلات والدین آغاز می‌شود (۲). وجود کودک ناتوان، سازش‌یافتگی و سلامت جسمی و روانی مادر را تهدید می‌کند و غالباً تأثیر منفی بر وی می‌گذارد (۳). اثر ناتوان‌کنندگی و آسیب‌رسان حضور کودک ناتوان بر خانواده و به‌ویژه مادر، به عوامل مختلفی مانند نوع و شدت مشکل یا ناتوانی، جنسیت کودک، میزان حمایت‌های در دسترس خانواده، ویژگی‌های شخصیتی افراد درگیر و همچنین نوع ارزیابی آن‌ها از مشکل و منابعی که برای کنارآمدن و مقابله با آن در دسترس دارند، بستگی دارد و میزان آسیب‌پذیری هر فرد در برابر تنیدگی، متأثر از مهارت‌های مقابله‌ای و حمایت‌های اجتماعی است (۴).

یکی از انواع استرس که مادران کودکان مبتلا به ناتوانی‌های ذهنی تحمل می‌کنند، استرس والدگری است. استرس والدگری در نتیجهٔ ناهم‌خوانی ادراک‌شده بین تقاضای والدینی و منابع فردی حاصل می‌شود و چنین استرسی ممکن است در چندین حیطهٔ زندگی که مربوط به والدگری است، تجربه شود (۵). آبیدین معتقد است که ویژگی‌های والد و کودک، همراه با متغیرهای موقعیتی بیرونی و عوامل استرس‌زای زندگی، دلیل افزایش احتمالی نارسایی کنش‌ورزی و استرس والدگری است. استرس والدگری باعث کاهش سلامت روان والدین می‌شود (۶). همچنین ممکن است تأثیر منفی بر رشد هیجانی و رفتاری کودکان و اثرات بلندمدت بر سلامت کودکان داشته باشد. نتایج تحقیقات نشان داده است که استرس والدگری در مادران کودکان ناتوان ذهنی در هر دو قلمرو والدگری و قلمرو کودک، همچنین در استرس والدگری کل به‌طور معناداری بیشتر از مادران کودکان بهنجار است. این استرس می‌تواند مربوط به کودک، والد یا جامعه باشد (۶).

استرس شدید والدین باعث می‌شود که آن‌ها گرایش بیشتری به کاربرد شیوه‌های انعطاف‌ناپذیر، تهدیدآمیز و پرخاشگرانهٔ والدگری داشته باشند و کمتر از برنامه‌های درمانی و خدمات ارائه‌شده برای کودکان بهره ببرند. این امر تأثیرات منفی بر رشد کودک می‌گذارد و باعث رفتارهای مخرب بیشتری می‌شود (۷). هریس و استاندارد بر این باورند که بعد از انتشار شمارهٔ مخصوص مجلهٔ معتبر *روان‌شناس آمریکایی* در سال ۲۰۰۰ به نام *روان‌شناسی مثبت*، خط سیر پژوهشی تازه‌ای در روان‌شناسی پدید آمد و روان‌شناسی از صرفاً تمرکز بر آسیب‌شناسی، به بررسی نقاط قوت و مهارت‌ها و استعدادهای آدمی تغییر مسیر داد. هدف اصلی این رویکرد، شناسایی سازه‌هایی بود که موجبات معناداری زندگی را برای آدمی فراهم می‌آورند. به همین لحاظ، سازه‌هایی نظیر شادی، امید، خوش‌بینی و نظایر آن در کانون توجه این رویکرد قرار گرفت؛ یعنی وجوهی از انسان که به زندگی‌اش معنا می‌بخشد (به‌نقل‌از ۸).

یکی از تعاریف بسیار معروف معنای زندگی را فرانکل[1] در سال ۱۹۸۴ ارائه کرده است. وی معتقد است هنگامی که انسان به فعالیت‌های موردعلاقه‌اش می‌پردازد، با دیگران ملاقات می‌کند، به تماشای آثار هنری‌ادبی می‌پردازد یا به دامان طبیعت پناه می‌برد، وجود معنا را در خود احساس می‌کند. همچنین هنگامی که احساس می‌کند وجود و هستی‌اش به منبعی لایزال پیوند خورده است و خود را متکی به چهارچوب‌ها و تکیه‌گاه‌های گسترده و قابل‌اتکایی مانند مذهب و فلسفه‌ای که برای زندگی‌کردن انتخاب کرده است می‌بیند، معنا را درمی‌یابد و آن را احساس می‌کند. در واقع معنای زندگی به نوعی از احساس ارتباط با خالق هستی، داشتن هدف در زندگی، تعقیب و نیل به اهداف باارزش و رسیدن به تکامل اشاره دارد. معنای زندگی در اصل ماهیت شناختی دارد؛ چراکه دربردارندهٔ باورهای افراد دربارهٔ وجود یک هدف غایی در زندگی، اعتقاد به معنویات و زندگی اخروی است (به‌نقل‌از ۹).

دامنهٔ پژوهش‌های در دسترس که سازه‌های روان‌شناختی مثل نگرانی و امید و معنای زندگی مادران گروه‌های مختلف کودکان استثنایی را بررسی کرده‌اند، محدود است؛ به‌طوری که برخی مطالعات حاکی از آن است که مادران کودکان مبتلا به اوتیسم، در مقایسه با سایر بیماری‌های مزمن، تنیدگی و نگرانی بیشتری را تجربه می‌کنند (۱۰). اوگستن و همکاران (۱۱) که امید و نگرانی در مادران کودکان با اختلال طیف اوتیسم و سندرم داون را مقایسه کردند، نشان دادند مادران کودکان مبتلا به اوتیسم در مقایسه با مادرانی که کودکان مبتلا به سندرم داون داشتند، امید کمتری دارند و دربارهٔ آیندهٔ کودکان خود نگرانی بیشتری دارند.

مفهوم معنای زندگی ارتباط تنگاتنگی با سلامت و رفاه روان‌شناختی افراد دارد. در واقع، معنادار‌بودن زندگی سبب پایین‌آمدن سطح عواطف منفی مانند اضطراب و افسردگی و استرس می‌شود و در نهایت سبب کاهش خطر ابتلا به بیماری‌های روانی می‌شود. مطالعهٔ دیگری نشان داد که بین داشتن هدف در زندگی و ابعاد سلامت عمومی شامل علائم جسمانی، علائم اضطراب و اختلال خواب، کارکرد اجتماعی و علائم افسردگی هم‌بستگی معناداری وجود دارد (۱۲).

از جمله متغیرهایی که می‌تواند استرس مادران را تعدیل کرده، به آن‌ها در کنترل آن کمک کند، تاب‌آوری است. تاب‌آوری، صرفاً مقاومت منفعل در برابر آسیب‌ها یا موقعیت تهدیدکننده نیست؛ بلکه فرد تاب‌آور، مشارکت‌کننده‌ای فعال و سازندهٔ محیط پیرامونی خویش است. افراد تاب‌آور دارای توانایی برگشت و کسب بهبودی، دارای خوش‌بینی و انعطاف‌پذیری فکری، ماهر در تبدیل مشکلات به فرصتی برای یادگیری و رشد، دارای پشتکار، عزت‌نفس، شبکهٔ حمایتی سالم، توانا در رشد قابلیت‌های عاطفی و فراطبیعی، دارای استقلال رأی، حس شوخ‌طبعی و توانا در حل مشکلات و حل تعارض هستند. ایجاد تاب‌آوری از طریق ایجاد پذیرش روان‌شناختی،

[1]. Frankl

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.28.3]

باعث کاهش استرس کاری و افزایش سلامت روانی کارکنان و معلمانی می‌شود که با افراد کم‌توانِ ذهنی در تعامل بودند (۱۳).
والدین دارای کودکان کم‌توان ذهنی در مقایسه با سایر والدین، استرس و فشار بیشتری را تحمل می‌کنند. همچنین پژوهش دیگری با موضوع تدوین برنامهٔ افزایش تاب‌آوری در برابر استرس و تأثیر آموزش آن بر مؤلفه‌های کیفیت زندگی والدین دارای کودک کم‌توان ذهنی خفیف صورت گرفت که نشان داد برنامهٔ افزایش تاب‌آوری بر مؤلفه‌های کیفیت زندگی والدین، اثرگذار است (۱۴).
فشار روانی وارد بر این مادران به‌دلیل استمرار، علاوه بر سلامت جسمی و روحی خودشان، سلامت و آسایش همسر، فرزندان سالم و نیز فرزند ناتوانشان و در سطحی وسیع‌تر سلامت و بهداشت روانی کل جامعه را متأثر خواهد کرد. بنابراین بررسی رابطهٔ متغیرهای تأثیرگذاری همچون تاب‌آوری و معنای زندگی در کاهش استرس والدگری مادران، به‌منظور کاهش فشار بر روی مادران، اهمیت بسیاری دارد. بنابراین با توجه به آنچه گفته شد، این تحقیق بر آن است رابطه و همچنین سهم متغیرهای معنای زندگی و تاب‌آوری بر روی استرس والدگری مادران کودکان با ناتوانایی ذهنی را بررسی کند.

۲ روش بررسی

این پژوهش، مطالعه‌ای از نوع همبستگی بود. جامعهٔ آماری این پژوهش که در شهر ارومیه انجام شد، شامل مادران تمام کودکان مشغول به تحصیل در مدارس استثنایی در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ بود که با استعلام از سازمان بهزیستی تعداد کل جامعهٔ آماری تحقیق برابر ۶۴۵ نفر به دست آمد. با توجه به جدول مورگان، ۲۰۸ نفر به‌عنوان حجم نمونه محاسبه شد. چهار مدرسه به‌طور تصادفی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و در هر مدرسه، ۵۲ پرسش‌نامه به‌صورت در دسترس پخش شد و پرسش‌نامه‌ها بعد از پُرشدن، جمع‌آوری شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه استفاده شد. برای تعیین امتیاز استرس والدگری، از مقیاس تنش والدینی[1] (PSI) استفاده شد. این مقیاس در سال ۱۹۶۷ بر مبنای الگوی نظری مربوط به تنیدگی والدینی تهیه شد که برای محاسبهٔ استرس والدگری از آن استفاده می‌شود. الگوی نظری مقیاس توسط آبیدین تدوین شد. در شکل بازنگری‌شده، تصحیح آن ساده‌تر و تعداد مواد آن کمتر بود. این تغییرات، زمان اجرا را کوتاه و تعیین نمرات آزمودنی‌ها را در زیرمقیاس‌های مختلف ساده‌تر کرده است. این بازنگری، مواد شاخص تنیدگی والدینی را از ۱۵۰ ماده به ۱۰۱ ماده کاهش داد و ۱۱ مادهٔ اختیاری نیز به‌عنوان «مقیاس تنیدگی زندگی» بر آن افزوده شده است. شیوهٔ نمره‌گذاری به‌شیوهٔ لیکرت برحسب پاسخ‌های ۱ تا ۵ (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) انجام می‌شود. فرایند تفسیر نتایج مقیاس استرس والدین در وهلهٔ نخست، از بررسی نمرهٔ کلی مقیاس آغاز می‌شود. ضریب پایایی در یک نمونهٔ ۲۶۳۳نفری در قلمرو کودک ۰/۷۰ تا ۰/۸۳ و در قلمرو والدین از ۰/۷۰ تا ۰/۸۴ به دست آمده است. در کل، ضریب پایایی این آزمون ۰/۹۵ است. این میزان ضریب پایایی می‌تواند بیانگر ثبات درونی ارزیابی‌ها باشد. برای محاسبهٔ تاب‌آوری از پرسش‌نامهٔ تاب‌آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) استفاده شد. این پرسش‌نامه ۲۵ سؤال در مقیاس لیکرت (همیشه، اغلب اوقات، گاهی اوقات، به‌ندرت و هیچ‌وقت) دارد که به گزینهٔ همیشه نمرهٔ چهار، اغلب اوقات نمرهٔ سه، گاهی اوقات نمرهٔ دو، به‌ندرت نمرهٔ یک و به هیچ‌وقت نمرهٔ صفر تعلق می‌گیرد. حداکثر نمرهٔ این پرسش‌نامه صد و حداقل آن صفر است. برای به‌دست‌آوردن امتیاز کلی پرسش‌نامه، مجموع امتیازات همهٔ سؤالات با هم جمع می‌شود. این امتیاز دامنه‌ای از صفر تا صد خواهد داشت. هرچه این امتیاز بالاتر باشد، بیانگر میزان تاب‌آوری بیشتر فرد پاسخ‌دهنده خواهد بود. نقطهٔ برش این پرسش‌نامه امتیاز پنجاه است. به‌عبارتی، نمرهٔ بیشتر از پنجاه نشانگر افراد دارای تاب‌آوری خواهد بود و هرچه این امتیاز بیشتر از پنجاه باشد، به همان میزان شدت تاب‌آوری فرد نیز بیشتر خواهد بود. در پژوهش حق رنجبر و همکاران (۱۳۹۰) نیز پایایی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ برای این پرسش‌نامه به دست آمد. بنابراین این ابزار از پایایی خوبی برخوردار است.
برای تعیین امتیاز معنای زندگی از پرسش‌نامهٔ معنای زندگی[2] (PIL) استفاده شد. این پرسش‌نامه را کرامباف و ماهولیک در سال ۱۹۶۹ طراحی کرده‌اند. این پرسش‌نامه به‌منظور سنجش احساس فردی هدف یا معنا در زندگی ساخته شده است. پرسش‌نامهٔ هدف در زندگی می‌تواند احساس خلأ وجودی یا معنا و هدف در زندگی را بسنجد. این پرسش‌نامه بیست سؤال دارد که بررسی مضمون سؤالات آن نشان می‌دهد پرسش‌نامهٔ مذکور دارای روایی محتواست؛ زیرا مضمون آن با نظریه و مفاهیم درمانی فرانکل هماهنگ است. شرکت‌کنندگان برای پاسخ به هر سؤال عددی بین یک تا هفت را در پاسخ‌نامه علامت می‌زنند که بیانگر دیدگاهشان به آن سؤال است. نمرهٔ بالاتر بیانگر هدف و معنای بیشتر در زندگی است. البته کسب نمرهٔ ۱۴۰ غیرواقع‌بینانه است و نشانگر اغراق در معنادار جلوه‌دادن زندگی است. این پرسش‌نامه توسط کاوه و همکاران (۱۴) روی ۲۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان که با روش نمونه‌برداری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند، اجرا و هنجاریابی شده است. ضریب پایایی این پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمد که نشان‌دهندهٔ آن بوده پرسش‌نامهٔ معنای زندگی از پایایی نسبتاً بالایی برخوردار است. برای تحلیل فرضیه‌های تحقیق، از آمار توصیفی و روش ضریب هم‌بستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه به‌روش هم‌زمان و از نرم‌افزار SPSS نسخهٔ ۲۱ استفاده شد.

۳ یافته‌ها

بر اساس آمار توصیفی به‌دست‌آمده برای نمونهٔ تحقیق، ملاحظه شد که ۸۲/۲درصد مادران مورد مطالعه دارای تحصیلات دیپلم و زیردیپلم، ۱۵/۹درصد دارای تحصیلات لیسانس و ۱/۹درصد نمونه

[1]. Parenting Stress Index

[2]. Purpose in life questionnaire

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.28.3]

دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر بودند. ۸۹/۹درصد از افراد نمونه یک فرزند استثنایی، ۹/۱درصد از افراد نمونه دو فرزند استثنایی و ۱درصد سه فرزند استثنایی داشتند. ۱۳/۹درصد یک فرزند، ۵۲/۹درصد دو فرزند، ۱۷/۳درصد سه فرزند، ۸/۷درصد ۴ فرزند و ۷/۲درصد پنج فرزند و بیشتر داشتند. همچنین میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۳۹/۱۴ سال و انحراف معیار ۷/۶۹ سال بود. همچنین میانگین استرس والدگری ۲۷۱/۳۸±۵۰/۳۷ ، میانگین معنای زندگی ۷۶/۲۱±۱۲/۴۳ و مقدار میانگین تاب‌آوری برابر ۹۲/۸۶±۱۵/۳۰ بود. آزمون کولموگروف-اسمیرنف نشان داد که استرس والدگری، معنای زندگی و تاب‌آوری از توزیع نرمال تبعیت کردند.

برای تعیین رابطهٔ استرس والدگری با معنای زندگی و تاب‌آوری، از رگرسیون خطی چندگانه به‌روش هم‌زمان استفاده شد که ابتدا مفروضات رگرسیون خطی چندگانه بررسی شدند. یکی از مفروضات مدل رگرسیون خطی، فرض نرمال‌بودن توزیع خطاهاست؛ بدین معنی که خطاها می‌بایست دارای توزیع نرمال با میانگین صفر باشند که در پژوهش حاضر نتایج آزمون بررسی نرمال‌بودن توزیع خطاها نشان داد که توزیع خطاها نرمال است. برای بررسی هم‌خطی بین متغیرهای مستقل از شاخص VIF استفاده شد.

جدول ۱. شاخص هم‌خطی بین متغیرها

متغیرهای تحقیق	شاخص VIF
معنای زندگی	۲/۸۱۲
تاب‌آوری	۲/۱۹۸
حمایت اجتماعی	۲/۱۵۹

با توجه به مقدار شاخص VIF متغیرهای مستقل همگی کمتر از پنج هستند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هم‌خطی شدیدی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد.

مفروضهٔ دیگر استقلال خطاها از یکدیگر است. برای بررسی استقلال خطاها از آزمون دوربین-واتسون استفاده شده است. از آنجایی که آمارهٔ دوربین-واتسون برابر ۱/۹۶۸ مابین ۱/۵ و ۲/۵ است، فرض عدم هم‌بستگی بین خطاها پذیرفته می‌شود. حال در ادامه، رابطهٔ بین متغیرهای پیش‌بین با استرس والدگری بررسی شده است.

جدول ۲. نتایج ضریب هم‌بستگی پیرسون

متغیرها	ضریب هم‌بستگی	مقدار p
استرس والدگری با معنای زندگی	-۰/۸۱۵	<۰/۰۰۱
استرس والدگری با تاب‌آوری	-۰/۵۶۸	<۰/۰۰۱

با توجه به یافته‌های جدول ۲، استرس والدگری و معنای زندگی هم‌بستگی منفی معناداری دارد ($r=-۰/۸۱۵$، $p<۰/۰۰۱$). همچنین مقدار ضریب هم‌بستگی پیرسون برای استرس والدگری و تاب‌آوری برابر ۰/۵۶۸- به دست آمد؛ بنابراین بین استرس والدگری و تاب‌آوری هم‌بستگی منفی معنادار وجود دارد ($r=-۰/۵۶۸$، $p<۰/۰۰۱$).

جدول ۳. نتایج رگرسیون خطی چندگانه

	برآورد ضرایب	آمارهٔ t	مقدار p
ثابت رگرسیون	۰/۷۱۴	۶/۷۲۳	<۰/۰۰۱
معنای زندگی	-۰/۶۶۴	-۱۴/۷۴۱	<۰/۰۰۱
تاب‌آوری	-۰/۱۱۴	-۲/۸۶۵	۰/۰۰۴

برای پیش‌بینی استرس والدگری به‌وسیلهٔ دو متغیر معنای زندگی و تاب‌آوری، از آنالیز رگرسیون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده است. همان گونه که ملاحظه می‌شود ضرایب معنای زندگی ($p<۰/۰۰۱$) و تاب‌آوری ($p=۰/۰۰۴$) هر دو معنادارند؛ بنابراین این دو متغیر می‌توانند متغیرهای پیش‌بین برای استرس والدگری باشند. همچنین مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۷۱۴ به دست آمده است که نشان می‌دهد حدود ۷۲درصد از تغییرات استرس والدگری توسط دو متغیر معنای زندگی و تاب‌آوری تبیین می‌شود.

٤ بحث

نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که بین معنای زندگی و استرس والدگری یک رابطهٔ معنادار منفی وجود دارد. به‌طوری‌که با افزایش یک واحدی معنای زندگی مادران، میزان استرس والدگری به‌اندازهٔ ۰/۶۶۴ واحد کاهش می‌یابد. وجود معنا در زندگی عنصری اساسی در بهزیستی روانی‌عاطفی است و به‌صورت سیستماتیکی با ابعاد گوناگونی از شخصیت، سلامت جسمی و ذهنی، سازگاری و انطباق با استرس‌ها، مذهب و فعالیت‌های مذهبی و اختلالات رفتاری ارتباط دارد. بنابراین هرقدر وجود معنا در زندگی مادران کودکان استثنایی بیشتر باشد، اختلالات رفتاری مادران کاهش می‌یابد و در نتیجه، به‌دلیل حضور یک فرد معلول و استثنایی در خانواده، استرس‌های واردشده بر مادران کاهش معناداری خواهد داشت. نتیجهٔ به‌دست‌آمده با تحقیق دهداری و همکاران (۱۵) هم‌سو و هم‌جهت است. ایشان نشان دادند که بین میانگین نمرهٔ اضطراب با معنای زندگی ارتباط آماری معنادار و معکوس وجود دارد. همچنین بین میانگین نمرهٔ استرس، اضطراب و افسردگی دانشجویان هم‌بستگی معناداری وجود دارد. همچنین با تحقیق توگاد و فردریکسون (۱۶) که نشان دادند تاب‌آوری تحصیلی با هیجان‌های مثبت رابطهٔ مستقیم و با هیجان‌های منفی رابطهٔ معکوس دارد، هم‌سو و هم‌جهت است.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.28.3]

همچنین نتایج تحلیل نشان داد که بین تاب‌آوری و استرس والدگری رابطهٔ منفی معناداری وجود دارد؛ به‌طوری که با افزایش یک‌واحدی متغیر تاب‌آوری، مقدار استرس والدگری به‌اندازهٔ ۰/۵۶۸ واحد کاهش پیدا می‌کند. تاب‌آوری قابلیت فرد در برقراری تعادل زیستی‌روانی و معنوی، در مقابل موقعیت مخاطره‌آمیز و نوعی ترمیم خود است که با پیامدهای مثبت هیجانی و عاطفی و شناختی همراه است. بنابراین هرچقدر تاب‌آوری مادران بیشتر باشد، می‌تواند در مقابله با استرس والدگری مقابله داشته باشد و پیامدهای مثبتی نیز به همراه خواهد آورد. نتیجهٔ فرضیه با تحقیق کاوه و همکاران (۱۷) هم‌سو و هم‌جهت است. ایشان نیز با عنوان تدوین برنامهٔ افزایش تاب‌آوری در برابر استرس و تأثیر آموزش آن بر مؤلفه‌های کیفیت زندگی والدین دارای کودک کم‌توان ذهنی خفیف خاطرنشان کردند که برنامهٔ افزایش تاب‌آوری بر مؤلفه‌های کیفیت زندگی والدین اثرگذار است. همچنین با تحقیق استینهارد و دولبیر (۱۸) که دریافتند برنامهٔ افزایش تاب‌آوری، باعث افزایش راهبردهای مقابله‌ای مؤثرتر، افزایش عوامل حفاظتی مانند عواطف مثبت، اعتمادبه‌نفس و خودرهبری و کاهش عواطف منفی و استرس و افسردگی می‌شود، هم‌سو است. همچنین با تحقیق استنسما، هیجر و استالن (۱۹) که دریافتند آموزش تاب‌آوری، استفاده از راهبردهای کنارآمدن مؤثر مانند راهبردهای فعال، جست‌وجوی حمایت اجتماعی، خوددلگرم‌سازی و افکار مثبت را در بین افراد افزایش می‌دهد و راهبردهای کنارآمدن منفی مانند واکنش‌های افسردگی، راهبردهای منفعلانه و اجتنابی را کاهش می‌دهد و باعث‌کاهش افسردگی می‌شود، هم‌سو است. نتایج پژوهش جدیدی و همکاران (۲۰) با عنوان «بررسی ارتباط بین سلامت معنوی و کیفیت زندگی سالمندان سرای سالمندان کهریزک» نشان داد سلامت معنوی با کیفیت زندگی سالمندان هم‌بستگی معنادار دارد. همچنین پژوهش جو، شین، کیم و همکاران (۲۱) نشان داد که معناداری زندگی با خوش‌بینی و بهزیستی روانی در سالمندان سرای سالمندان رابطهٔ مثبت و معناداری دارد.

از جمله محدودیت‌های تحقیق این بود که مادران به‌طور کامل با محقق همکاری نمی‌کردند. همچنین یکی دیگر از محدودیت‌های تحقیق ابزار پرسش‌نامه بود که پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی از ابزارهای دیگری مانند مصاحبه نیز استفاده شود.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده پیشنهاد می‌شود که سازمان آموزش‌وپرورش کارگاه‌های آموزشی برگزار کند و در این کارگاه‌ها راهکارهای مقابله با استرس آموزش داده شود. به سازمان آموزش‌وپرورش پیشنهاد می‌شود که در راستای آموزش مفاهیم تاب‌آوری و معنای زندگی که بر کاهش استرس والدگری مادران دارای کودکان استثنایی تأثیر معناداری دارد، اقدام کنند.

۵ نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق نشان داد که درک معنای زندگی از سوی مادران کودکان با ناتوانی‌های ذهنی و همچنین تاب‌آوری مادران، به‌طور چشمگیری میزان استرس والدگری مادران را کاهش می‌دهد.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.28.3]

References

1. Narimani M, AGHA MH, Rajabi S. A comparison between the mental health of mothers of exceptional children and mothers of normal children. The Quarterly Journal of Fundamentals of Mental Health. 2007;9(33-34):15-24. [Persian]
2. Pisula E, Parents of children with Autism: Recent research findings. Psychiatr Pol. 2002;36(1):95-108.
3. Salovita T, Ltalinna M, Leinonen E. Explaining the parental stress of fathers andmothers caring for a child with intellectual disability: A Double ABCX Model. Journal of Intellectual Disability Research. 2003;47:103-20. doi:10.1046/j.1365-2788.2003.00492.x
4. Herring S, Gary J, Taffe K, Sweeney D Eifeld S. Behaviour and emotional problems in toddlers with pervasive developmental delay: associations with parental mental health and family functioning. Journal of Intellectual Disability Research. 2006;12:874-82. doi:10.1111/j.1365-2788.2006.00904.x
5. Abidin RR. Introduction to the special issue: The stresses of parenting. Journal of Clinical Child Psychology. 1990;19:298-301. doi:10.1207/s15374424jccp1904_1
6. Abidin RR, Brunner JF. Development of a parenting alliance inventory. Journal of Clinical Child Psychology. 1995;24:31-40. doi:10.1207/s15374424jccp2401_4
7. Kazdin AE. Conduct disorders in childhood and adolescence, 2nd ed. Thousand Oaks, CA, US: Sage Publications, Inc; 1995. xiii, 177.
8. Nasiri H, Jokar B. Meaning in life, hope, life satisfaction and mental health in women. J Women Develop Politics. 2008;6:157-76. [Persian]
9. Chang EC, DeSimone SL. The influence of hope on appraisals, coping, and dysphoria: A test of hope theory. Journal of Social and Clinical Psychology. 2001;20:117-29. doi:10.1521/jscp.20.2.117.22262
10. Shu B-C, Lung F, Chang Y. The mental health in mothers with autistic children: a case-control study in southern Taiwan. The Kaohsiung Journal of Medical Sciences. 2000;16:308-14.
11. Ogston PL, Mackintosh VH, Myers BJ. Hope and worry in mothers of children with an autism spectrum disorder or Down syndrome. Research in Autism Spectrum Disorders. 2011;5:1378-84. doi:10.1016/j.rasd.2011.01.020
12. Ratey JJ, Loehr JE. The positive impact of physical activity on cognition during adulthood: a review of underlying mechanisms, evidence and recommendations. Reviews in the Neurosciences. 2011;22:171-85. doi:10.1515/rns.2011.017
13. Singer GH, Irvin LK, Irvine B, et al. Evaluation of community-based support services for families of persons with developmental disabilities. Journal of the Association for Persons with Severe Handicaps. 1989;14:312-23. doi:10.1177/154079698901400410
14. Kaveh M, Alizadeh H, Delavar A, et al. Development of a resilience fostering program against stress and its impact on quality of life components in parents of children with mild intellectual disability. Iranian J Exc Child2011. 2011;2:119-40. [Persian] http://joec.ir/article-1-242-en.html
15. Dehdari T,Yarahmadi R, Tagdisi MH, Daneshvar R, Ahmadpur J. The relationship between meaningfulness in life and stress and depression in students of Iran University of Medical Sciences and Health Education in 2013. Health Promotion Journal. 2013;3(1):83-92. [Persian]
16. Tugade MM, Fredrickson BL. Resilient individuals use positive emotions to bounce back from negative emotional experiences. Journal of personality and social psychology. 2004;86:320. doi:10.1037/0022-3514.86.2.320
17. Kaveh K, Yazdi SM.To investigate the relationship between hardiness and emotional intelligence and to compare it in female and male employers in Tehran universities. New Ideas of Education. 2007;3(1-2):35-50. [Persian] doi:10.22051/jontoe.2007.301
18. Steinhardt M, Dolbier C. Evaluation of a resilience intervention to enhance coping strategies and protective factors and decrease symptomatology. Journal of American College Health. 2008;56(4):445-53. doi:10.3200/JACH.56.44.445-454
19. Steensma H, Heijer MD, Stallen V. Research Note: Effects of resilience training on the reduction of stress and depression among dutch workers. International Quarterly of Community Health Education. 2007;27(2):145–59. doi: 10.2190/IQ.27.2.e
20. Jadidi A, Farahaninia M, Janmohammadi S, Haghani H. The relationship between spiritual well-being and quality of life amon elderly people residing in Kahrizak senior house. Iran Journal of Nursing. 2011;24(72):48-56. [Persian] http://ijn.iums.ac.ir/article-1-1025-en.html
21. Ju H, Shin JW, Kim C-w, et al. Mediational effect of meaning in life on the relationship between optimism and well-being in community elderly. Archives of Gerontology and Geriatrics. 2013;56:309-13. doi:10.1016/j.archger.2012.08.008

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.28.3]